

# تا قاف قرب

محمد عمادی پور



انتشارات سفیر پداف

|                     |                                          |
|---------------------|------------------------------------------|
| سرشناسه             | عمادی پور، محمد، ۱۳۳۳ -                  |
| عنوان و نام پدیدآور | تا قاف قرب / محمد عبادی پور.             |
| مشخصات نشر          | تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۵                  |
| مشخصات ظاهری        | ۸۳ ص.                                    |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۳-۴۶۹-۰                        |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | فیا                                      |
| موضوع               | نثر فارسی - - قرن ۱۴                     |
| موضوع               | Persian prose literature- - 20th century |
| رده بندی کنگره      | ۱۳۹۵ ت ۲۵۴/م ۸۳۵ PIR                     |
| رده بندی دیویی      | ۸۸۸/۸۶۲                                  |
| شماره شناسه ملی     | ۴۳۷۴۲۱۸                                  |



## تا قاف قرب

تألیف: محمد عبادی پور  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: واحد آیدسازی، سفیراردهال  
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: سفیراردهال

شمارگان: ۵۵۰ نسخه ♦ شماره ثبت: ۸۲۲-  
بها: ۸۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: ۱۳۹۵، انتشارات سفیراردهال [www.safirardehal.ir](http://www.safirardehal.ir)

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۴۶۹ - ۰

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴  
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۳۸۹۸ - ۸۸۳۱۹۳۴۲ کد پستی: ۱۵۸۱۸-۷۴۷۱۵ email: safirardehal@yahoo.com  
همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                 |
|------|-----------------------|
| ۵    | پیشگفتار              |
| ۶    | حسین (ع) امیرالمؤمنین |
| ۹    | نعمت کرامت            |
| ۱۰   | از آدم بر «آدم»       |
| ۱۱   | صفا و بهای مرد حق     |
| ۱۳   | زبان دعا              |
| ۱۵   | در گرداب نفس          |
| ۱۷   | سر خلیفه              |
| ۱۸   | درسی از فطرت          |
| ۱۹   | خذلان کفر             |
| ۲۱   | نمازی از جنس خجالت    |
| ۲۲   | از گلخن تا گلشن       |
| ۲۵   | در طلب جیفه دنیا      |
| ۲۶   | جسم و جان             |
| ۲۷   | تا قاف قرب            |
| ۲۸   | دریغ از آدمی!         |
| ۳۰   | طفیلی خور گوساله      |
| ۳۳   | بنی الکرام            |
| ۳۵   | از شبانی به پیامبری   |
| ۳۶   | خویشی و بیگانگی قرآنی |
| ۳۷   | حریم کرامت انسان      |
| ۳۹   | شکار با قرقرا         |

- ۴۰..... لطف معشوق، فخر عاشق
- ۴۲..... پشت به خلق، روی به خالق
- ۴۳..... صِبْغَةُ الهی، نیتِ خدایی
- ۴۶..... بر بستر خاک
- ۴۷..... نام زنگی، کافور!
- ۴۸..... اتجا بی و حصر
- ۴۹..... فقط سلوات
- ۵۰..... خال نازیبا، سر بر خسار عدالتِ اسلامی
- ۵۲..... طرحی از مارستی
- ۵۳..... نعمت و نعمت
- ۵۵..... روزگار، دو روز است
- ۵۶..... بچه میری
- ۵۸..... «لا اله»، تمهید اسباب «أَلَا اَشْرَفُ»
- ۵۹..... تاسی به سیرهٔ هم‌نوع
- ۶۰..... عالم و عامی، اسیر نفس
- ۶۲..... اغراق در اغراق
- ۶۴..... ادب آموختهٔ آدابِ دان
- ۶۵..... روزگار نفرین شده
- ۶۸..... پشت کوهی
- ۶۹..... ادب درس، ادب نفس
- ۷۱..... تاج و نیم‌تاج
- ۷۲..... دو روی یک سکه
- ۷۵..... علم و حلم
- ۷۶..... رزق مقسوم
- ۷۸..... آی عزرائیل!
- ۷۹..... تخته بند تن

### پیشگفتار

دیده‌ای که استاد کوزه‌گر از مشتی گل، کوزه و ظرف می‌سازد و استاد زرگر از قطعه‌ای طلا، گوشواره و گردن‌بند. آهنگر، آهنی را به ابزار و آلتی بدل می‌کند و درودگر، چوبی را به در و پنجره و صندوق و گنج‌های.

آدم با نیز در عالم اندیشه و خیال، هر کدام به تناسب و به گونه‌ای صنعت‌گرند. صنایع کارگاه تخیل. کارگاهی که در آن، مواد خام دیده‌ها و شنیده‌ها و خوانده‌ها و دریافت‌ها را برای همیشه بلااستفاده نمی‌ماند، بلکه سرانجام روزی در بوته خیال ریخته و گداز می‌شود. بر سندان خیال و زیر ضربات یتک خیال، شکل و فرم می‌گیرد و به سران و سمباده خیال، جلا می‌یابد و در شکل کالایی با ارزش افزوده معنایی و معرفتی و فکری فرهنگی و... به بازار مطالعه می‌آید و به خریداران علم و جویندگان معرفت، عرضه می‌گردد.

مطالب این کتاب، بدین روش، معرّفی اندیشه و خیال نویسنده است؛ هر حرف و حکایتی، حادثه و واقعه‌ای، شعر و لطیفه‌ای، آیه و روایتی از مواد خام انباشته در انبار ذهن را که به گونه‌ای در آن ارزش معنایی و معرفتی دیده به کارگاه خیال برده و در حد توان و کارآمدی ابزار ذوق خود به بازیگری و بازآفرینی آن نشست است. البته قابلیت و ظرفیت این مواد یا دیده‌ها و شنیده‌ها و خوانده‌ها و دریافت‌ها، متفاوت بوده است؛ بعضی تمثیل گونه‌ای شده است بر لطیفه‌ای عربی و بعضی محملی برای نکته‌ای اخلاقی. برخی درون مایه تربیتی دارد و برخی زمینه دینی و برخی هم، رنگ و بوی اجتماعی. تا در ترازوی گوهرشناسان معنا چه وزنی آرد و در رسته صیرفیان سخن چه قیمتی یابد.

محمد عمادی پور

۱۳۹۵/۴/۱۴ - سبزوار